

گوردستان

بلاوکه ره وهی پیری حزبی دیه و کراتی کوردستان

زهنگی ازادی

بکجا میروید !

وشکاتی وی پشخودکده بوست و همه موی زیاتر
 همه و کس ایسانی به پرسیانی آتلاشک هه بوو
 ولی وریو ده گه آل المان شکا و شتر نو او وو
 به داشت نما هه مو مواده گاتی نو به پیمانه
 بگم و کوردی دینه چی و هه و گه کله
 آدی به شمار دهی و دنیا دهینه به بهشتی
 به پیریانی زرینگه زرینگه نه زرینگه نه پشته ی
 بیژیک بو به موی کلروانی آزادی بو وو و و و جکی
 ترمی و وریو نه بی همه لانه کلن که به زور
 له آزادی بی پیش کرایون و له زور به پیمانی
 دیکنانواراندا دیزان لاند هیاوو .

بازه که له روزی ۸ مانگی هه
 به یخی له روزی ۸ مانگی استبداد
 روخا و بهانی ظلم و بیدادی ننگ درا و
 آلاهی پشیکگری خود سری سه ره بخون
 کراوووه و دیوی نه گهوت و پاه و وزی
 به یاه بولور به مرم نه نندوبه زمان
 هه لانت و نه پیش چلو ون بو و کاسکا و
 گو گوی قته و شتر بی غنی مر کزی
 حکومتی ترمی به ده سنی هاو به پیمانه کلن
 دا گهیر کرا و دزمی شهری گه به
 ده سنی دایشوانی بو شماره و مسر
 تریاو و گوشتی هه زاران لاو و بیرو
 ژن و مندال و گمو و موجو کی تبهدا
 کولی بو و ره گه دربار ()

نود هشت روزی فشاو و شلاق ناچارانه
 له آفتن و در اثر کرسنگی و قتر
 و بیچار گئی جان سپردند هزاران کورد
 آرایه و نوا بره به لای دیوار گذاشته و
 بلکه میلیوناندا کاران و مردان کورد
 در زندانها و سیه چاهها و بنجید گهها
 کشته و محو تلو شدند هنوز هم زان
 و کودکان کوردان در خیمه پاناسی
 نهران و مشهد برئی بلک تمه ننان
 دست بسوی نادران دراز می کنند
 روحشان طوری در زیر فشار خسته و
 و فرسوده گشته است بیاد نی آورند
 و بلکه نمی توانند بیاد بیاورند
 که یک روز دارای مین و مسکن
 بودند و ساهایی دراز خود و تا گاننان
 در نهایت اختصار و سربندی در آن
 میزیستند و امروز که تابک انار و نمیم
 آزادی و زنده دل ماون و خاطر
 فرسوده شده بیده گانرا نوازش دایه
 قدر نیستند به مین خود باز کرده
 ملت کوردستان پیش از همه ملل ستم

امروز در کوردستان به کمک
 خدایه کترین جنیش برای استرداد
 حق آزادی و به دست آوردن مزایای
 بشری و مستقیب شدن از مفاخر مدنیت
 آغاز شده است . پسران جنگجو و
 مردان ساجد و کوردستان در راهی
 را علم کرده آماده هستند تا آخر
 قطره خون از زمین بران بخار نیسان
 خود دفاع کنند . ساهای دراز است
 که کورد در زیر نیز عبودیت
 و بندگی بیگانه کلن زانو خم شده و
 پشت شکسته است . در نتیجه سوء
 سیاست دشمنان شتر از گهیه مزایای
 انسانی (بهدا) فرحنگ . آسایش
 عمران و ... مسائل مدنی) عقب افتاده
 و بی بهره اند ما است بیگانگان درس
 راه نیز قوم پسانانی خارها گذاشتند و
 ساست راه آزادی شدند و برای نابود
 کردن آنان کلیه وسائل خارج از
 اصول نوع بشری و انسان دوستی را
 کار کردند . همان زمان که در

نه نجا پنی مانی کورد له هه مو
 نه و به یکه زیاتر شاد و داغوش بو چون کوردانیخ
 شاهد کیمه مانه له بهرخی سینما امریکای
 آزادی و سه بهشتی دا له هه مو نه و به یکه زیاتر
 فیداکاری کرده و توشی دهر به درج و کورمه
 و مری و چیره مری و تالان و بیرو و گوشت و
 کوشنار بووه و بهیوی هه یو که له موی پاشی به
 حقی مشروعی وی رسیده گئی بگری و اه
 زیر ده سنی زامارت نه پانی چی و هیهی دی
 حقی نه خوری و ظلمی ای نه گیری و دل نیسا
 حقی نه کلن له لایه خا به هه یه ده

رمیسی شانرداری شکاری کون و
 نه بیژنی (فیلادلفا) زهنگی مشهور
 و تاریخی (زهنگی آزادی) له داو
 گوی دانیشتوانی سه ره زهوی و
 لایه دارانی صالح و آفتنی و داوخواه ارانی
 آزادی زرینگه گنده موه . ده گه له
 دهنگی نه زرینگه باینده بو له هه مو

کوردان از
 اصول نوع بشری و انسان دوستی را
 کار کردند . همان زمان که در

و بی غیر اندامت بیگلستان در
راه ایران نوم پستانبی خاروا گذاشندو
ساخته راه آزادی شدند و برای نابود
کردن آنان کلیه وسائل خارج از
اصول نوع پرستی و انسان دوستی را
بکار بردند . هزاران هزار مردان
دایره شجاع و دانشمندان کورده را
بگناه آزادیخواهی کشند و بهادر
آرخبند ، زندانیان تهران و خراسان
و شیراز و امریر و استنبول و بغداد
سایر شهرهای ایران و ترکیه و عراق
پراک اسیران زن و مرد بگناه و بیجه
خاص مسموم کورخان بود که سدی

میزبند و امروز که تایت اندامه نسیم
آزادی وزیده دل ملون و خاطر
فرسوده ستم دیده گنارنا نوازش دایره
قدر نیستند به مین خود باز کرده اند
ملت کوردستان پیش از همه ملت منتم
دیدند دنیا در شکنجه و آزار بسر برده
و این همه روزهای نوحه و مصلح السدین به
قربستان و خرابه مبدل شد مدینت و
فرهنگ زبان مادری او پامال شد
باین حال روح آزادیخواهی **شکورد**
نکرد و هرگز نمیشود مردم
ماورای الایاره ۲

وفاق و نفاق یا په کیه تی و جیا په تی

هم دو حاله په نواری منایچه واته
و ضدی په کدین و چونکو حضرتی
خودای بی خاروا له ناساندنی متاقتاندا به
پنډیری ایچه (ص) سوره ییکی په تنیسا
په ناری نهوان ناردوه ایدی شیکه دی
نماره نهوه تالیاین ، و هه ایدته به
کسانکی که متاقتین پوراننسر به
خدرایی متاقتان نهوان چاکن ده گول
نهوش بریکه له به سره هانی **خومان** چه
له یرمی افتاق چه له بروروی تاقی
نه کورجی له هه زار په کیکیش بی
دوبگره ووه بلکو په گوی هه مو کس
آشایی و رابردوان بیننه ووه بیر ،

نه سالی ۱۳۲۰ دا که سهرانی غیور
ورشدی سوو بو رزگر کردنی نه و له
نی داموا و به خیر واردی خاککی
ایچه بون ویره که تیان پارانده بهر
نهوه که دو کله قلم و استبداد
دماغی ایوهی پر کردیو و په دسرو که
رشی بی خه پدی له عالم چاومان
به سراپو و په نواری هستی هه ستمان
نمایو جاوه توری نهوه بوین کنوشی
دوره پدی و هه لات و پرو و تالان
و مال ویرانی مدینت نه وانش و ملگ
دیکتاتورده گان بی شیل مان ده کمن
قره خان دهرن که چی بیچیه واته

و تاریخی (ژمنگی آزادی) له دلو
گوی دایشووانی سهر زومی و
شرفدارانی صلح و آشتی و داوختورانی
آزادی زرتینگه سده ووه . ده که له
دندنگی نه ورتنگه پاینده بوو له هه ووه
لایک بوشایی و زده و اوئند و جزین
و شادی . و له هه مو چنگه یک آلاهی
آزادی هه لکرا و دندنگی بزی آزادی
که به عالمان هه مو کس له بهر
خوبه ووه دوستی کرد به چاقی سما
و داومت و هه پیرین و جیله ای دان
و آوزاری بوچی ؟ چونکو هه مو
کس جاوه توری نه وایوونی شهروو ،
هه مو ووه کس داوختاری آزادی بو و
هه مو کس اتعانی ناری به دوزخی
آدمه بزار و به ره هه نسی آزادی دوزخی

نه ووه . نه و قارمه نه دل پاکته زور به
بیزدنی و نیو چاویاکی ده گول خدنگی
هاته بش هه هر جیکه که دویون هه
چنده زورتر بوئایه سهر و صدایان
که متر بو اختلافی چاک و کرد موی
شیرنو برایشی نه وان توابعش تاوری
کرد یومان بو په سره ستمی که
که کم له دنای تمدن هاتنه پیش
چاو و زومان کراره به جلدیکی
سامان **شکورد** دوستی بسرایه ایمان دا
دست پاک و ملگ به وروانه سی دوری
ششم له دوری روانی از شدی
ماورای الایاره ۲

و مری و بزرگوارانی و دین و
گوشنار بووه و هویای هه بو که له نو پستان
حقی مشروعی وی رسیده گمی بگراری و
زیر دوستی و اسارت نه جاتی بی و هجینی دی
حقی نه خوری و ظلمی له کسری و دل نیسا
بو که بهرجار کوبالی له خیزی خاتونه دور
و آوانی چ نسا هی پچی خاتونه و نو کور
هه ره گران به هیای که سهر ده پک بو به
شوپا ده گرا و ووه هه مو خونی نه سهر
رشت بوو و هه س ده گوی و فرشته آزادی
له پویش ده گری و لهین سیهری داری عدالت
و دینو کراسی دا و ملگ ساری ملل هه دوشی
و لاق را ده کیچی و دحسینه و ایدی
و ملگ چارانی پیشوو به دور و دله سه فروری
نادن و داوا که ناخنه پشت گویان بیچاره
نپنده زانی که سیاستی استعمار قبول و قهارو
په ایمانان له کمن خبیجه و نه و هه مو دور و
ده نسی بو فریسه دانای مله بچسو که کان
ساز کردیو .

په ای ایستا سایک دوارده مانگ سبه دوست
وینچ روز له ناری کیرانی برایی و نسیم
بوونی آمان نرده پدی و کوردیش آزادی
خوی به دوستی خوی به وجود خستلو به لام
استعمار و په ناکازه که ووتونه کور کانی گونی
خوی له کوردان هان دندا و نه پدی دستان
کوشنو **شکورد** پاش شیری رابردو
بزیسته ووه .
به راستی شیکه سهر له پاش نه و
جاموو و وعدو و وعه پده له نواری نه و هه مو
ماورای الایاره ۳

بصحا میروید !

وفاق و نفاق ..

ماوهی لایحه ۱

کورد زوریش بی خرمن تو لادم لکر و بی
 نیشان ولی فرماو یون شهو به به مرمی نفاق
 نراسنی . بمری نفاق چا و چوئی و ندرستی .
 محو تاودی نفاقو به نینایی و بیگانه برستی .
 اینر انبیا مکی خوادای عالم خو بو دیواره
 چیدی نغموی کورد دستستان به یواوی
 نفاق نسونی . الحمد لله برینی دای کورد که
 بهشور کونور دهمینه زوخوادای لی دهنک
 حکیمی خادای حائلن جای پیشوای مزین
 قاضی محمد به مرمه می نفاق و برابری
 دهرمنی کردوه گوشه درونمی هاتونه سهر
 شکری خودا وهما تند بیوسو بندیزو یوه که
 ایندی خادایمیری نفاق نای کز بیسته وهما
 درونه کان خادایم بن هیزی وان بهقه بدینوله
 به کار لی ناکات انشاالله .

م . س . قزلباش

شهر کهمسه باغیرو دته

جان فدای تو کهمسه گور جان فدای مرلته
 خاکبای تو کهمسه گور خاکبای مرلته
 دهرمنی پانده شه دیو کهمس ترک ا کهوی
 دهرمنی جاوید یاداری بقای میانه
 مسنه غیرت لاهام وایه که دهر انسانیه
 هر که باغیرو دته چشم جو جرای پانده
 سهرزه می دای که جهنگلی بفری لایحه
 جو جهنگلی عشقوت و سهر و ساقی بیانه
 شکرتو کریمک تبه ماز غری به از دای

دوای دشمن میبختد شاد گویند
 باز دیکر برده از تریخ جنگهای
 مردانه کورد با دشمنان را به جان
 نشان داده ثابت کنند که ملت کورده
 راستی نواذی آن پولوتن تملار
 میدان جنگ بوده و در روح ساجشو
 ری و نجابت کوردیت آنان شیرینی
 حاصل نمده و نای برینیا مدهاست .
 خلاصه بخوامید در این روز ارز
 حقیقی شهامت و مردانگی کورد و
 دشمنان او را با هم سنجیده برتری
 و شجاعت خود را نمایان سازید . ما در
 مین چشم بر راه مردانگی شما است
 از شما بران میخواهد در صورت لزوم
 یک طرفه مقابل سد حمله برید .

شما در راه مین و تاوس جهاد
 میکنید و اطمینان داشته باشید که
 پیروز خواهید شد . خدا رسول و مین
 و گذشتگان و نسل کنونی از شما
 خورند و شاد میشوند و نسل آینده
 شما را انتخاب خواهد کرد نام شهامت
 و مردانگی شما در تاریخ بیخود نماند
 درج می کنند یاد دشمنان داخلی را
 بخاطر یاورید اینها اگر وجود داشته
 باشند بسیار کم و انگشت شمارند در
 برابر روح فخرمندی و دلوری شما
 حاضر و ارشدند .

بس ای دلوران کورد که امروز
 مردانه میدان آمده و جان شیرین را
 بسک نهادهاید میدان بصحا میروید
 و در راه ما مبارزه بر داشتهاید .
 شما میروید که در حیات کشور
 پساتی کوردستان را که فرغی در
 اثر نموی وستم بیگانهگان ویران و
 نالی خاکستر تبدیل شده بود از تیرش و
 تعدی آنها نگاهدارید . و از زیر
 جنگال کرک سفتان که سالهاست
 خون این کشور را میکشد مانده آورید
 شما میروید که برادران کورده سایر
 هم بهتان از برائی خودا که در زمان ویا
 آسارت فرومایه گان بسر می برند و
 همیشه چشم انتظار در راه شما درند
 نجات دهید .

شما میروید فداکاریهای بزرگ
 از خود نشان داده و در هنگام لزوم
 در راه آزادی کوردستان لژیون جان و
 مال کوتاهی نکنید . شما میروید
 عدل شهود را که میدل جان و مال است
 در تاریخ درخشان و طلائی خود قلمه
 کنید . شما میروید نام نامی این
 مین کهن سال را زنده و از جنگال
 دزدان برهاند و لذت مبروی آزادی
 و سرفرازی را باین ملت پرافتخار
 سهرده بچشاید .

سید... بیروند نامهای این
 مین کهن سال را زنده و از چنگال
 دزدان برهائید و لذت میوهی آزادی
 و سرفرازی را باین ملت برافشانید
 مستعبد بچنانید .
 مبارزه را که آغاز کردهاید
 بزرگترین مبارز است که تا امروز
 بدان قیام نموده‌اید. در راه مین حفظ
 شرافت ملی و بالاخره رهائی کورد
 و کوردستان ازوغ بندگی و
 استعمار است شما میخواید نام نیاگان
 برافشانید و پناهنات خود را زنده کنید
 پدران شما در راه مرام مقدس آزادی
 کوردستان جهادها کردند .

درج می کنند یاد دشمنان داخلی را
 بخاطر نابورید آنها اگر وجود داشته
 باشند بسیار کم و انگشت شمارند در
 برابر روح فخرسای و دلآوری شما
 ناخیز و بی ارزش هستند .
 و چند کلمه را که خداوند بیخبر
 از آن خوشتره و از طریق عدل و برهان
 دنیا بسند و مایه استحقاق بیروزی شما
 است عرض خواهم رسانید :

درجات بیروزی پساگران احترام
بگذرند و ابد استکتن آنها را می
نشود و بدش اینک به اسارت قرار
مندی برادر با آنها رفتار کنید خصوصاً
یا کلتی که خود از دین خود ولی
در بیان مرتبه من بر می برند و در عین
حال از حیانت کاران خارجی و داخلی
 که بیشک میش و بصفت گرفتند
 غنفت نورزند اگر جرمتان ثابت شد
 با اندازه جرم سزا دهید و با خشتین
 سیاسی که به جامعه کشور خیانت می-
 ورزند بشدت رفتار کنید اموال و غنای
 که به دستتان می آید منطبق بکورد
 ستان است و تصرف اشخاص را در
 آن حرام بدانید در شهرها و دیهاتی
 که ارتش نمی کشید باید امداد
 بفرستد و نیاز یاورید - مال - ناموس
 احترام - شرافت مردم را کاملاً در نظر
 داشته باشد زحمت بکشید مردم در
 آسایش باشند که خدا یار و پشتیبان شما
 خواهد بود .

تعمیر کار زور جاران زور کسی له
 گدوره گدوره کانی نه نه می کورد
 هر که نه توان چند ساسما جارت
 قبا بیکان کرد و بود پونه بود بزرگترین
 زنده اند بکای تواند و مددک در زمان
 بهر تو و از که دود اما کار چه بد است
 خودمان بهر به بینی و ناموس جویجو-
 نی یا با دزد بود بان به شکر بهر-
 هاست بونو نه بینی در ده بان گرفتو
 هرتا پانه و وقت نه وایش بهر جایی
 وان در میان کرد و به نه کنکو لان و
 سمرین و ز کرد بی پسا و زن و
 مندان ختگی - سوتان و کوشنار
 له کوردن . در لغز نه می -
 روح با بیوه

حضرت شیخ عبدالقادر و حاج سید
 محمد و حاج شیخ سعیدی ساعتی و
 هزارها مشتاق و علمه شیره کراون
 و مرحومی عیس آغای دیبوگری
 حزه آغا و ابیر آغا قهرمانی کورد
 سبیل آغا و خورشید آغای هر کی
 سعید باقر معن کورد - دار درون
 و سهر بران و کوزران هر له بهر
 مالکی کوردان بود که مرحومی احمد
 آغای ایخانی و سعید ایخانی
 کوز غرب بوزن له صورت بکسما
 فیریشان داری به . و هزارها کورد
 ی باو با بنگی دیکش جاهو کسما
 نش که بهوی و اتوه بهو و هو
 خساره که کورتوم له ای دوزنه کانی

تعمیر کار زور جاران زور کسی له
 گدوره گدوره کانی نه نه می کورد
 هر که نه توان چند ساسما جارت
 قبا بیکان کرد و بود پونه بود بزرگترین
 زنده اند بکای تواند و مددک در زمان
 بهر تو و از که دود اما کار چه بد است
 خودمان بهر به بینی و ناموس جویجو-
 نی یا با دزد بود بان به شکر بهر-
 هاست بونو نه بینی در ده بان گرفتو
 هرتا پانه و وقت نه وایش بهر جایی
 وان در میان کرد و به نه کنکو لان و
 سمرین و ز کرد بی پسا و زن و
 مندان ختگی - سوتان و کوشنار
 له کوردن . در لغز نه می -
 روح با بیوه

دورسی زمانی گوردی
 دورسی شانزدهم
 بوق قاز
 بوق قاز
 بوق قاز
 قادر قاز بوق باسوق قاش
 قورسی قوری قورری قورری قورری
 قاز قیرره قیرر ده کا
 دهنگی بوق ناساره
 قورره قیرر قیرر ده کا
 دهنگی ... ناساره
مه اباد
چاپخانه ی کوردستان

که مسمومه لپیش هیزی زلی دوهلانی
 کج پوری تور که سینگ کی کردیم
 ممتنان بیلای مسموم کوردستان
 کاری گرانو قورس (باربرنگاری
 له آزادی کوردی ده ستو کورنو
 وه گن بی بهشتی زورده ستو
 به خه بیون بیوتان همه به نه بهت
 وفورته می زل نابوو بهلام کیتان له
 زیر آلامی ملی خود پندار بر ذوق
 نفاذ بوو زبان له آزارات که پانگ
 طبعی راده برد خوش و سه که رمی
 اسپانک کان و نیر هایش
 بوو بهلام نه تنها بو خوشی به کورو
 له تریشا که مشر سلسله کاتبان ده کار
 دینا چونکورو له ایت فیشه کوره له
 ننگی دیون چیک که له آزارات
 رنگی نه بوو . ترس . باس . نعو میدی
 بسوو .
 له دوی به سر هانی (گانی کورنگ)
 هیزی ولو دلتایی آزاراتی کان پسر
 بیوو و دنیا بیون که هور دوی تورنگ
 به یک سو پشته و قانونی به لاری مسمومی
 بو آزارات بیی .
 شیخ عبدالقادر ایللی خوی ده گن له
 خوی هه لنگرتو بسو کبوی آلامان
 چوو .
 آزاراتی کان نه پانه بوست که شیخ ده گن
 دولت آشان بیی وله گوشه بیکی
 آزاراتی هه وانه بیی .

که هه رنگی دور گرتنه دوی آزادی
 وساز کردنی به که می ملی کستانی
 خویان می دریش پیشکشته کنه هج
 هیزیک قانونی دوهی ده که به پاره بانگ
 به تهنی رو دویانیک وه کورو روو
 دای شیخ عبدالقادر .
 نهمان شه به یکی که به ایللی
 ساکن رنگبان کوردیم که به شته
 آلامان استندار بازید که ترسی
 آزاراتی کان چیک کی خوی کورنو بوو
 بو اقامه کوره شیخ عهده داری
 بو که خوی بنگ کرد کورو پیراو
 چونکورو که دولت درد رنگ بسوو
 نه چینی خوی پیرا که کی که نه لاشی
 بوو و نوری شیخ حسن بوو نارد .
 سه رانی حسه سووری و فووان نام
 کاربان له کن استندار بهور که رانی
 شیخ و ددرانو نابوان ده گن له شیخ
 درد رنگرت کردو کویان شیخ له
 بهور ده گن آزاراتی هه .
 بهم جو ره قندی فسه رانه دوی
 کورد بهی حه پانی شیخ که ایستا
 نه گوشه بیکی آزارات دانیشتوو
 ابدی دولت رووی له می نه بوو .
 آزاراتی کان و سه کبوی بیانی
 که بیون . فخر مانی شورنگ بهک
 بول بهدی له (بیون سوور) به بهر امیر
 پردی بهردی (شیخان) که له سه
 آوی هیل (خطای) جوی که هوره

کوری بزرگ له ایلی قزلباشی و لعلی
 که به سکی له مبهترین و لدا کار ترش
 لاولی کورد بوو و چه نسا پیش
 به چه نه تیک که دوهلانی ایران قزلباشی
 ایلی شورو به نه سکی کورو که
 دانیشتوو و سه رانی له خاندانی
 سه رانی زیبان ده گن آزاراتی کان
 که من بهم جو ره پانی سه کوری
 آزاراتی کان هیزی ملی و داکتر
 کسرا رووی کورد هه لاری که
 له کورو مقصدی دانیشتکی به هیزی
 خوره و دولت لاری .
 هه چه که سه پانی سه کوریم
 ایلاتک وه کبیر ده کورمن که له
 فخر مانی بهرانی دولت بهور له بیون
 ده گن و سه هه هج جو ره کوره که
 به بیون خود داری بهر زیبان لاری
 و هج کار به ده سیک شورت جن
 چه کدار جن بی چک دانیشتیک
 بوو دوی بو هم و نه نه نه بوو .
 له بهرستی هاب پندار مسموم غایر
 به گن کورانی کورو حه بین پانگ
 لایسی نه لاری ایلی جردان ده گن
 دوی سیرای دیکه و پانگ پیرازی له
 سوورن هلان و حه نه لاری ساسوری
 تورکیه و نهمان بیوانی مانه کانی
 مادیان - بییری - غزلان - ...
 دوی بهرانی موش و پش نه دوی
 سی که بیان له شکره و تیکه له به سستی

به سستی ازاد و لاری و پانگه کوری
 له لاین نه لاری به که به من کوری به گیار
 نه بو چه پانگ پان عورا کیشانه دوهلانی به
 خوان هیزا دوهلانی ایلی که چه پانگی مسافرت
 خوی به لانتان خانی بکته بیی .

گوشه بیاشله وه حشی نهمانی تور لوتو فارس در

حقیق کوردان
 برایان خوشه بوست کبوی داکتر هیندک
 به مسمومی پانگ کورده کان و سه رانه کانی
 کوردان که تورکان به مسموم و بیان خودی
 خود کور که خاندان بهر بسوم که نه
 موز به خوی بزرگه لاری دارا کوردنی
 حش لاری و پانگی پانگی خویان جیان بهر
 هیزان بیون بکوره مسموم .

له تهنی ۱۳۳۶ قمری سی که من له
 شیخان شورت کورانی شیخ شهاب امین شیخ احمد
 شیرین . سید ملی انجمناری پانگی لاری
 به پانگ شورت کورانی له تهنی ۱۳۴۴ زهرنگ
 بیاری کورده و لاری کورده ونگ شیخ احمد
 ایوب شیر کز داکتر قزلباشی به گن دوی کوری
 لاری دارا کورنی جن مشروعی خویان له
 فخر دوان . روزنگ پانگی - کورانی شیخ عهده
 کبوی بیی . شیخ احمد احمد پانگی شیخ نورالدین
 بیروانی شیخ احمد بیروانی هه بهک به مسموم
 مسمومی خوره بهور شوره نه شانه پانگی حیش
 مسموم و نه لاری .

کوروشستان

ماوهی لاپهره ۳

گوشه بیک له و وحشی گهیری

له روزی سی ماوه سید پاشا قور پاشا خان سید محمد کسوری خوشبوستی . یوسف شاه بهک . کمال قیش بهک امام یابوری له مسمول . سندی قلامی شیخ عبدالقادر به درجهی شهادت کیشتن . له موهی غلامی جزئی قوری به له ساته شیخ سید افندی خلوسی . شیخ عبداله ماله کن . شیخ شمس الدین قشقلی . شیخ حسین جباری سیه برای وی شیخ شریف . شیخ اسماعیل تیرکنی و برای وی شیخ حاجی . شیخ قاجا ویرکشی . شیخ ابراهیم . شیخ مسارف قرندانی . شیخ پرابسی گویشی . قادی بهک مدنی . حسنی اندی لرقی ده گل جهند کسانتی دره شندی بیوه ناموه و ده شیخ علیی گوته کلان کران به قورانی مبله نی حکومرد له دوی لهوان قلمه تازو زانجان و سوله دشتی مابووین رضای خودایان لی می خاند بهک جباری . ده موهی بهک هبسی عبدالعجید به کی سیک . خاند به کی حسنی . علی آغای رشکونی امین به کی برای . جوبل آغای پنجه ناری و فرامه رزی کوری واحمد آغای برزای حاجی حسین آغای کوخان . حاجی موسی به کی خونی . ذوالقادر آغای گوران . مبهالی به کی سروچی و جهند شخصی معنومی دیکه و ده عبدالرحمن به کی شهزاده شی و جهند علی آغای غوزان له و ریکه ما شهید کران و ده گو رشعی باقی مبله نی . مقلومی . کورد بنده مانی مقلاتی تورکی غقار له بین هات . به کی له شهزادانی کوره . له عبدالرحمن نهی بارو خانیه شی احمد خلوسی غرق یوو ده چونکو له کلان

کوری عدلو انصاف و مرده گیر نه و ده یوم و یازده هه و ده برآ کوروش له پهلوانی که به سدر به مبله نه شفا و ده یا شهیدین و مبله مهرانی روزگار هوشیار من .

حاج سید محمد سیدی

آگاداری

به موهی له موهی سوره به موهی وزارت مبله نه کلان حکومته می مالی کوروشستان باره که به ندرت که موهی دو هه روزانو لایروژک و شوش و توی خبک و باهر قده موهی خبک موهی و شوشیکی موهی پیشکوهی موهی کوروشستان و هه رش هبکی که و ده بها ده موهی یواداری اشتیران و نایبات (شندی مانیوی رادوی) یابوری تره پاشا باو کسره موهی له مانیوی له موهی شدا درج به کی .

مدیر کل اشتیرانو نایبات کوروشستان سید قیصری

چاره جوئی پاشا

خوندورانی خوندوست آکادرن که به من ساته پشای مشراحی شیر و خورشید . حاجی شور . مشراحی مزگونی روسم بهک و مزگونی شامرویش هه و ده با نایب ده جیوه نیو جیوه و جهنگیش له ای خوار و آویان له جومی دیردورانی خوندوره . به لایم افارمی شاداری نه . موهی می شنه زیر نظر موهی رش مانیوی زور و مانیوی بهدانشی و می

دهرسی زمانی کوردی

دهرسی حه قده شه

باب	بابور
قاپ	بابور
قاپ	بابور
قاپ	بابور

قاپ بی	یبار	پورز	گروپ
پورز	باش	سی	
دو قاپ	سر	که م	زانه
نوری	سواری	پاپور	پورو
دوو	سر	که م	زانه
نوری	سوار	پورو	

هه شقی

پاورانه	پاروو	پورو	پوروزا
پوش	په ری	پشک	دوو پشک

دوو پشک

پورام له پورم ته ستاند
قادر دوو پشک بیوه دا
په ری زاد باوانی لهی کرد
کاشوو سرکه م خوارد
..... له پورم ته ستاند
قادر بیوه دا
په ری زاد لهی کرد
..... سرکه م خوارد

دهنگو و باس

هیوشی ارتجاع

غزران لو و رنگه پدا شهید کران و ره گدو ربه سی بلتی
 مبلتتی مقلومی کورد بدهستی شلمانی تورکی مغارله من
 حان . په کی لشکرزانی کورد و ملا عبدالرحمن نهی بارو
 حاجتی شیخ احمد سنوسی غرب بوو که چونکوه لکان
 محاکمه دا کوئی : (شهرم به بدهستوهایی شریعی بیایدو
 ملتی خودی می نامیم) سرایان بری . و نیز یکی دهه هزار کسان
 بناموی کوردی که بشاموی کوشتر بیون پسو آیدنه
 میرسین گوارازیر پاته کی سه فرقیه و ده دور خزان و نوب
 پراو به جوی نامشان و دیجات پانو کرانه و که گشت له
 هزاری و برسینی مردن هتا پنج سالن آوری بیسادی
 نایی روحانه لایو کوردان نه کوردزادو .

لهجاری جوارنده لایه کانی زیلان . حسنان . حیدریان
 جلازان بهومی گورد و هه زنی خویان ابراهیم به ک فرزندنی
 حسنی بو آزادی کوردان سرایان پاینه کرد و هه وویان
 دا دیسان بدهستی دوو خون ریزی تورکو ایران باش دوو
 سالان شهید کران و ابابین جیرون و موه لانی خسرومان دا
 چهند بیایو گورد و مک حه مخطاتی باه . سیف الدین خانی سقزی
 سردار حه حسین خانی بو کتی و قزاقان و زعیف اسماعیل آغای
 سه کوه لریگی آزادی دا شریعی شهادتیا چیشتن .

خوینی شو شهیدانه و سیان لایر خاک داده کولی
 و جاونوری آکارو بزوتوهومی نتهومی خویان ده کهن که
 آبا کورانی کوردی خوینی باولو پایسرانی خویان
 دستین و موه هه تی که مواتی له سه شید بیون و دست
 خو دینه ووه پایه خوی غه غه ست رای دهبورنو وونی
 ده کهن .

بهلام لهه رحمتی خودار کوشتی حشرنی پیشوای
 مدظلی کوردستان جرای کوردان هه لکر آلائی مشقی
 کوردستان پازو بوو قارممانتی کورد بهن لایان را که پاند
 که هتی مورونی و خوینی هه زاران شبرانی کوردی به

وین کوهی شهید و شریعی هه مو بهاریب ده جیره
 نیو جیرو و هه کشیک الهای خوار و آویان
 له جومی دهبور و دیان خوار و ووه . به نام اهلای
 شارداری هم موشوعه تی سخته زیر لغسرو و
 پش مانیکی زور و موانتی بهمانتی و می
 حه موه جازو جیرو ووه و نه توره کی موقی
 بهه حه موه لایو می باشو له به موه سه
 بهه و مپه تی روز آوای خایانی کسوزمه لایو
 وابسته لو آوو که مانه له مانتی سوزی
 بهر ایتر به موه خانی جومی دهر زینه نیو جومی
 بهر توه له مانی خود بوست ره جانه کره
 بهه آو هه لایان له لایو سوزی به موه
 به مانی و شارداریش لغتری دایه بره مانی
 خوار و موش اقدام لایر بک .

ماوهی لایره ۱

زهنگی آزادی

مزگینی و نویده له ممانتی مانج و آشتی دا به
 ده مشهوری ماموستای استعمار ده و زانی استعماری
 ایرانه و عراق کوردی بلزان و هه و هه و زامانان
 قتل و غلو مانی ویران کرد .
 بهلام ماموستای استعمار ونس که به مانی
 بیوسته بزانی که کوردیکی به مانی زهنگی
 آزادی له خو راه بره ووه تازه به بهمانتی سه
 نایه ووه و نه کوشتن و کوزیران و خونین رشتن
 و خونین زانان نترسی و تاجقی خویان لی ممانتین
 روناسکن و هه موه به ره و آزادی ده روا
 وی کومان ده کانه منزل .

دهنگو و باس - هوشی از تجاع

بهر ایتر زاپورتکی روزی ۲۸ ر ۲ ر ۱۳۲۵
 آگه توه امپتی سرده ست هور و نوی نرسه
 مرانیه مانی که ده مینک پانه بان ده کهن بیون
 بهر شیان بوعدی حسن آغای هه تاره و موزیر
 به کوه کورد که کان لایو له مپه تی ده مانه
 مرانیه کان زور خراب شهید وون و مقلاتیکی
 زوربان دایه : ۳۰ حه موه له به مانی
 به دیلی کوزیران دوو آغای دوو نو کورمان
 کوزیران ۱۴ قبضه تانک ۱ قبضه
 خبازچه و ده دوورین و شش سب
 به نیت کوزیران و به شبرومی که مانه
 دوو ووه . به موه راه دایه خودا ده کانه
 به کوشتن بیرون دین .

مزی آسناداری

- ۱ - لایه ۱ میری ۳۱ ران
- ۲ - ۲ > ۲۱۵ >
- ۳ - ۳ > ۱۱۵ >
- ۴ - ۴ > ۱۰ >
- کانه زوباکت سدی ۳۰ >

مهاباد - چاپخانهی کوردستان